

### متن پرسش

با عرض سلام: بنده به توصیه‌ی مشاوران با کسی که دیدش نسبت به زندگی، با بنده متفاوت بود و برای زندگی خود طلب بالاتری از گذران زندگی عادی و دینداری در حد واجبات نبود؛ ازدواج کردم. اکنون من با این تفاوت نگاه‌ها به زندگی دچار مشکل شده‌ام. خیلی از تصمیماتم را بخاطر قابل درک نبودن او از خواسته‌هایم حتی برایش مطرح هم نمی‌کنم چون دفعه‌های قبل نتیجه‌ای ندیده‌ام. الان که می‌بینم او فقط همراه من در امور روزمره زندگی است نه همسفری برای مسیر ابدی زندگی‌ام، با گذشت چندین ماه از زندگیمان انگیزه‌ام به او تقلیل یافته، هرچند او را بیش از پیش غرق محبت‌هایم می‌کنم و چیزی در این مورد به او نمی‌گویم چون متوجه حرفم نمی‌شود. آیا راه من ادامه‌ی زندگی عادی با اوست؟ خود من نیاز شدید به فردی که محرکم باشد دارم، این نیازم را چگونه جواب دهم؟

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: انتظاراتی بی‌جا نسبت به همسران کار را خراب می‌کند. همسر شما باید نسبت به وظایف شرعی که به عهده دارد متعهد باشد، و بقیه را باید خودتان حل کنید. موفق باشید